بازخوانی اندیشه وحدت و تقریب مذاهب از منظر امام خمینی(س)!

از زمانی که اندیشه وحدت اسلامی و تقریب مذاهب در جهان اسلام احیا شد، چیزی کمتر از دو قرن می‌گذرد. این اندیشه در طول این سال‌ها، همواره با واکنش‌های متفاوتی از سوی علما، اندیشمندان و جریان‌های مذهبی روبه‌رو بوده است؛ برخی آن را ناممکن پنداشته‌اند، گروهی آن را نیرنگ رقیب مذهبی یا دسیسه بیگانگان دانسته‌اند، و برخی دیگر نه‌تنها آن را ممکن، بلکه ضرورتی بنیادین برای حفظ مصالح امت اسلامی شمرده‌اند.

در این میان، پرسش‌هایی اساسی مطرح می‌شود: مقصود از وحدت مذاهب اسلامی چیست؟ آیا تقریب، به معنای انکار تفاوت‌ها و دست شستن از حقانیت مذهب خودی است؟ آیا قرار است همه مذاهب در یک قالب یکسان ذوب شوند؟ یا منظور چیزی دیگر است؟
پاسخ به این پرسش‌ها را باید در اندیشه‌ها و تجارب عملی شخصیت‌هایی جست‌وجو کرد که این راه را پیموده‌اند؛ از جمله برجسته‌ترین این چهره‌ها، امام خمینی(س) است.

امام خمینی(س) اندیشه وحدت اسلامی را از سطح یک ایده نظری فراتر برد و آن را به عنوان راهبردی محوری در نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح کرد؛ راهبردی که از دل باورهای دینی برآمد و اهداف تمدنی امت اسلام را دنبال می‌کرد. وی وحدت را نه ابزار مقطعی برای دفع تهدیدها، بلکه ضرورتی دائمی برای عزت امت اسلام می‌دانست و هرگونه نزاع مذهبی و درگیری درون‌دینی را از مظاهر عقب‌ماندگی مسلمانان می‌شمرد.

تعریف وحدت و تقریب از منظر اندیشمندان اسلامی

یکی از دلایل سوءتفاهم درباره این مفاهیم، نبود تعریف روشن از واژگان کلیدی است. بر پایه بررسی دیدگاه‌های مختلف، می‌توان تعاریف زیر را ارائه کرد:

وحدت اسلامی یعنی هم‌افزایی پیروان مذاهب مختلف برای رسیدن به اهداف مشترک امت، بر پایه باورهای بنیادی‌ای که میان همه مسلمانان مشترک است. این وحدت نه به معنای حذف تفاوت‌ها، بلکه به معنای هم‌صف شدن در برابر دشمنان اسلام و احترام به باورهای مذهبی یکدیگر است.

تقریب مذاهب نیز به معنای نزدیک‌سازی دیدگاه‌ها، شناخت مشترکات، گفت‌وگو بر سر اختلافات و تلاش برای رسیدن به برادری دینی در سطحی عمیق‌تر است. برخی اندیشمندان، قید «معذور داشتن یکدیگر در موارد اختلاف» را نیز در دل مفهوم تقریب آورده‌اند.

چرایی مخالفت با تقریب و وحدت

مخالفان تقریب و وحدت در میان هر دو طیف شیعه و اهل سنت وجود دارند. شماری از علمای اهل سنت بر این باورند که شیعه به دلیل برخی باورهای خاص، اساساً از دایره مذاهب معتبر خارج است و وحدت با آنان بی‌معناست. گروهی دیگر آن را نقشه‌ای برای نفوذ و گسترش مذهب شیعه می‌دانند.

در سوی دیگر، برخی از علمای شیعه نیز وحدت را ابزاری برای جلوگیری از تبلیغ تشیع یا اقدامی در جهت خلط حق و باطل تلقی کرده‌اند و نگرانند که این راه، به محو حقیقت بینجامد.

اما نکته مهم این است که بیشتر این مخالفت‌ها، برخاسته از سوءظن‌ها، بی‌اعتمادی‌ها و برداشت‌های نادرست از مفهوم وحدت و تقریب است. به همین دلیل، درست در جایی که عده‌ای وحدت را تهدید می‌دانند، گروهی دیگر آن را تنها راه غلبه بر این بی‌اعتمادی‌ها می‌شمارند.

ریشه‌های تاریخی اندیشه تقریب

اگرچه اندیشه تقریب در دوران معاصر از قرن نوزدهم به این‌سو سازمان‌یافته مطرح شده است، اما پیشینه آن به صدر اسلام بازمی‌گردد. سیره اهل بیت(ع) نشان می‌دهد که امامان شیعه با علمای دیگر مذاهب، به‌ویژه در دوره امام باقر(ع) و امام صادق(ع)، در ارتباط بودند و مباحثات علمی میان آنان و بزرگان اهل سنت مانند ابوحنیفه و مالک بن انس برقرار بود.

پس از عصر غیبت نیز بزرگان شیعه چون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، علامه طبرسی، شهید اول و شهید ثانی با تسلط بر فقه مذاهب دیگر، در تدریس آن مشارکت می‌کردند و با پرهیز از تعصب، از اندیشه

گفت‌وگو استقبال می‌کردند.

این تعاملات علمی و فقهی، میراثی است که امروزه می‌تواند به عنوان پشتوانه‌ای گران‌سنگ برای گفت‌وگوی مذهبی و هم‌گرایی اسلامی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

سخن پایانی

تجربه تاریخی و عقلانیت دینی، هر دو بر ضرورت وحدت و تقریب گواهی می‌دهند. امام خمینی(س) با تکیه بر این دو محور، نظریه وحدت اسلامی را از سطح شعار به سطح برنامه ارتقاء داد. امروز نیز وظیفه اندیشمندان، عالمان و فعالان حوزه تقریب آن است که با پرهیز از افراط و تفریط، این راه را ادامه دهند و زمینه‌های هم‌فکری، هم‌گرایی و هم‌افزایی میان مسلمانان را تقویت کنند؛ چرا که راه سربلندی امت اسلامی از دل همین وحدت می‌گذرد.